

سرای تاریخ و فرهنگ

علی ناظمیان فرد

۲. تعلیق حکم در تاریخ پژوهی

در عرصه مطالعات تاریخی، با سه گونه مدعا روبرویم: مدعیات خردگرا، مدعیات خردستیز و مدعیات خردگریز. مدعیات خردگرا، آن دسته مدعیاتی هستند که به سود صدق آنها دلیلی در اختیار داریم. یعنی شخص مدعی، دلیلی هم‌وزن مدعای خود اقامه کرده است تا با مدلل کردن مدعا بتواند آن را به مرز باور بکشانند. در این صورت، توقع او اخلاقاً بجاست که از دیگران انتظار داشته باشد تا مدعای او را مورد پذیرش قرار دهند.

مدعیات خردستیز، مدعیاتی هستند که دلیلی به زیان صدق آنها در اختیار داریم؛ یعنی با اقامه دلیل می‌توان صدق و صحت و اعتبار مدعا را مخدوش کرد و آن را از دایره اعتنا خارج نمود. پژوهشگری که با طرح ادله خود، مدعایی را از حیث صدق خارج می‌کند، توقع او اخلاقاً بجاست که انتظار داشته باشد زین پس دیگران به چنین مدعیاتی اقبالی نشان ندهند و آن را از عرصه اعتنا خارج سازند.

مدعیات خردگریز اما مدعیاتی هستند که نه دلیلی به سود صدق آنها در اختیار داریم و دلیلی به زیان صدق آنها. به عبارتی، نه می‌توانیم آنها را راست بپنداریم و نه می‌توانیم آنها

را دروغ به شمار آوریم. بر این اساس، نه می‌توانیم چنین مدعیاتی را بپذیریم و نه می‌توانیم آنها را رد کنیم. در چنین احوالی، عقلانی‌ترین شیوه در برخورد با این گونه مدعیات، تعلیق حکم است؛ یعنی نه حکم به پذیرش و نه حکم به واژنش بدهیم و نسبت به این گونه مدعیات سکوت و بی‌طرفی پیشه کنیم تا روزی که بتوانیم قاطعانه یکی از این دو موضع را نسبت به آنها اتخاذ کنیم: یا با اقامه دلیلی به سود صدقشان، آنها را به عرصه مدعیات خردگرا بکشانیم و یا با اقامه دلیلی به زیان صدقشان، آنها را به عرصه مدعیات خردستیز برانیم.

